

در مشروطه

چه گذشت؟

جلد سوم

واقع دوره مشروطه اول

مؤسسه فرهنگی هنری قدر و لایت

در مشروطه چه گذشت؟

جلد سوم

تألیف و تدوین: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولايت

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولايت

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸ شمارگان: ۳۰۰ جلد

حروفچینی: ظرفیان لیتوگرافی: نیما چاپ: نماد صحافی:

شابک ?? ISBN 978-964-????-??-?? ۹۷۸-۹۶۴-???-??-??

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

تلفن توزيع: ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸

نمبر: ۶۶۴۶۷۳۹۴

آدرس سایت: www.ghadr110.ir

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
بخش اول:	
واقایع استقرار مشروطه اول تا بیماران مجلس	
۲۵	تشکیل مجلس شورا در مدرسه نظامیه
۲۷	نظامنامه انتخابات و انتخاب وکلا
۳۹	تدوین قانون اساسی
۵۸	متهم قانون اساسی
۶۷	ماجرای بستنشینی شیخ فضل الله در حضرت عبدالعظیم
۸۲	تهاجم عثمانی به مرزهای ایران
۸۳	قتل اتابک
۸۶	گردهمایی میدان توپخانه و مدرسه مروی
۹۱	نحوه حضور شیخ فضل الله در گردهمایی میدان توپخانه
۹۵	فتوای حرمت شرعی مشروطیت
۱۰۰	قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس
۱۰۳	گرویدن برخی درباریان به مشروطه
۱۰۵	رفتار محمدعلی شاه و برخورد مشروطه طلبان با او
۱۰۹	توهین مطبوعات به محمدعلی شاه
۱۱۳	پرتاب نارنجک به سوی محمدعلی شاه
۱۱۷	قتل قوام‌الملک شیرازی
۱۱۸	استغفای احتشام‌السلطنه
۱۲۰	رفتن محمدعلی شاه به باگشاه
۱۲۳	گلوله‌باران مجلس و تعطیلی آن

بخش دوم:
تحلیل مستند واقعی دوره استقرار مشروطه اول

فصل اول

نقش منورالفکران و انجمنهای مخفی و آشکار در دوران استقرار مشروطه اول

۱۳۳	تدوین نظامنامه انتخابات، قانون اساسی و متمم آن	۱/۱
۱۷۹	تندروی منورالفکران در مجلس	۱/۲
۱۸۵	تندروی در برابر محمدعلی شاه	۱/۳
۱۸۸	اتهام زنازاده به محمدعلی شاه!	
۱۹۱	اقدام به ترور شاه و عدم پیگیری ترورکنندگان!	
۱۹۴	تفییر فضای مسالمت به وضعیت مخاصمه و درگیری	
۱۹۹	انجمنهای مخفی و آشکار در این دوره از مشروطیت	
۲۰۷	لژ بیداری ایران	
۲۱۳	کمیته انقلاب	
۲۱۶	اقلیتهای مذهبی	
۲۱۶	انجمان آذربایجان	
۲۱۸	انجمان اخوت	
۲۲۱	انجمان مظفری	
۲۲۱	انجمان بین الطوعین	
۲۲۳	انجمان شاهآباد	
۲۲۳	مهترین اقدامات انجمنها	
۲۲۳	۱- بدین کردن علماء به شیخ فضل الله و فشار به علمای نجف	
۲۲۳	۲- اقدام به تهمت زنی، ترور و اخراج شیخ فضل الله نوری	
۲۳۶	۳- بیرون کردن حاجی میرزا حسن مجتبه از تبریز	
۲۴۱	نقش روزنامه‌ها در واقعی این دوره از مشروطیت	
۲۵۰	نقش اردشیر ریپورتر در مطبوعات	

فصل دوم

نقش دولت انگلیس در واقعی این دوره از مشروطیت

۲۵۷	تهدید محمدعلی شاه به خلع از سلطنت
-----	-----------------------------------

فهرست مطالب / ۵

۲۵۹	تهدید انجمنهای و ملیون!!
۲۶۱	تهدید محمدعلی شاه به اشغال بوشهر!!
۲۶۴	مداخله در مباحث قانون اساسی و متمم آن
۲۶۶	سمپاشی علیه روحانیت بویژه شیخ فضل الله نوری

فصل سوم

نقش علماء و روحانیت در این دوره از تاریخ مشروطیت

۲۷۳	علماء و تصویب قانون اساسی و متمم آن
۱- نظارت بر مباحث متمم قانون اساسی در مجلس شورای ملی و تلاش در اصلاح و مطابقت آن با شرع مقدس	۲۷۳
۲- ارائه اصل نظارت ابدیه علماء بر مصوبات مجلس شورای ملی	۲۷۹
۳- ترویج گفتمان مشروطیت و روشن کردن محتوای این اصطلاح	۲۸۱
۴- آشکار کردن گروههای منحرف پشتیبان مشروطیت.....	۲۸۶
۵- جلوگیری از آزادیهای محرّب و اهانت به مقدسات	۲۸۹
۶- حفظ استقلال کشور و مبارزه با سلطه بیگانگان	۲۹۳
۷- بسیج مردم و حفظ آنان دور نهضت	۲۹۵
۸- همگامی و ارتباط علماء با یکدیگر در مشروطه اول	۲۹۷

بخش سوم

دیدگاههای حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره وقایع این دوره از مشروطیت

فصل اول

نگاه حضرت امام خمینی(ره) به وقایع این دوره از مشروطیت

۳۰۵	تقسیم مردم به طرفدار و مخالف مشروطه
۳۰۶	ایجاد اختلاف بین علماء و روحانیون در مشروطه
۳۰۷	توطئه‌های شیطانی برای اختلاف‌افکنی
۳۰۸	مستبدین مشروطه‌خواه، حکومت را گرفتند
۳۰۹	تشکیل گروهها و احزاب برای ایجاد تفرقه
۳۰۹	تشکیل احزاب، نقشه شیطانی قدرت‌ها
۳۱۰	عدم حضور کامل علماء و مردم در مشروطه، علت ناکامی

۶ / در مشروطه چه گذشت؟

اعدام شیخ فضل الله به خاطر اسلامی کردن قوانین ۳۱۱
اختلاف بین افراد، سبب شکست مشروطه شد ۳۱۳
کنار رفتن مردم و روحانیت به واسطه ترور و تبلیغات دشمنان ۳۱۳
عدم انسجام و اطاعت کامل مردم از علماء در مشروطیت ۳۱۴
نقش مجلس در انحراف مشروطیت ۳۱۵

فصل دوم

تگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به وقایع این دوره از مشروطیت

نقش علماء و روحانیان ۳۱۷
نقش حاج آقا نورالله اصفهانی ۳۱۷
ضعف رهبری ۳۱۹
کنار زدن روحانیت ۳۲۰
بی تجربگی مردم و علماء ۳۲۰
کوتاهی در معرفی نقش روحانیت شیعه ۳۲۱
مردم به دنبال روحانیت بودند ۳۲۳
تفالف و خوش باوری علماء، کامیابی غریبها در انحراف مشروطیت ۳۲۳
نقش علمای طراز اول و تلاش دشمنان در حذف آنها ۳۲۵
نقش مردم ۳۲۶
نقش روشنفکران ۳۲۷
حقارت و ناتوانی روشنفکران در برابر غرب ۳۲۷
جريان روشنفکری، بیمار و وابسته و جدا از مردم ۳۲۸
نقش انگلستان در انحراف نهضت مشروطیت ۳۲۹

بخش چهارم:

پیوستها

پیوست یک: صورت نظامنامه اساسی مجلس شورای ملی با قانون اساسی موقتی مملکت ایران ۳۳۳
پیوست دو: نامه دعوت عضدالملک به حاج شیخ فضل الله نوری جهت شرکت در جلسه مجلس ۳۴۳
پیوست سه: مصوبه تعدادی از علماء در خصوص حفظ مجلس شورای ملی ۳۴۴
پیوست چهار: ارسال قانون نامه اساسی جهت ملاحظه حاج شیخ فضل الله نوری ۳۴۸
پیوست پنج: نامه سید محمد طباطبائی به طلب مبنی بر رفع اختلافات با حاج شیخ فضل الله نوری ۳۴۹

۷ / فهرست مطالب

نامه حاج شیخ فضل الله نوری به طلب در خصوص رفع اختلافات و شباهات فیمایین علماء.....	۳۴۹
پیوست شش: شرح حال نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی	۳۵۳
سید نصرالله تقوی (اخوی)	۳۵۴
سید حسن تقیزاده.....	۳۶۱
شیخ ابراهیم زنجانی.....	۳۶۳
سید ولی الله خان نصر.....	۳۶۷
ابوالحسن پیرنیا (معاضدالسلطنه)	۳۶۹
مصطفی قلی خان کمال هدایت (فهیم الدوّله).....	۳۷۲
حسنعلی خان کمال هدایت (نصرالملک)	۳۷۵
میرزا اسماعیل خان ممتاز الدوّله	۳۷۷
ابراهیم حکیم الملک (حکیمی)	۳۷۹
امان الله میرزا ضیاء الدوّله	۳۸۱
میرزا سید ابراهیم عمیدالحكماء (عمیدالسلطنه)	۳۸۴
میرزا حسن خان ثوق الدوّله.....	۳۸۵
میرزا نصرالله خلعتبری (اعلاءالملک)	۳۸۸
مرتضی قلی خان صنیع الدوّله	۳۸۹
حاج محمود خان قولر آقاسی باشی (احتشامالسلطنه)	۳۹۳
میرزا صادق خان مستشار الدوّله	۳۹۴
مهدیقی خان هدایت (مخبرالسلطنه)	۳۹۶
میرزا محمدصادق طباطبائی	۴۰۲
پیوست هفت: نامه مجلس به شیخ جهت اصلاح قانون	۴۰۴
پیوست هشت: اصل پیشنهادی شیخ به مجلس	۴۰۵
پیوست نه: نمونه‌ای از لوایح متحصین حضرت عبدالعظیم علیه السلام	۴۰۶
پیوست ده: نامه اعتراضیه مجلس و پاسخ علماء نجف	۴۰۷
پیوست یازده: نامه موافقت تشکیل مجلس شورای ملی	۴۰۸
پیوست دوازده: صفحه اول رساله فی قاعدة ضمان الید به قلم شیخ	۴۰۹
پیوست سیزده: اسمی انجمنهای عصر مشروطه در تهران و شهرستانها.....	۴۱۰
پیوست چهارده: اسمی روزنامه‌هایی که در آن دوره منتشر می‌شدند	۴۳۸
پیوست پانزده: قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس	۴۴۰
پیوست شانزده: نمونه‌ای از بدگویی به محمدعلی شاه و تحریک و تهدید او	۴۴۲
پیوست هفده: صورت بیمان نامه علمای مهاجر به حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام	۴۴۶

۸ / در مشروطه چه گذشت؟

پیوست هجده: صورت اسامی علمای بزرگ ایران در تحصن حرم حضرت عبدالعظیم.....	۴۵۷
پیوست نوزده: صورت هزینه‌های تحصن در حضرت عبدالعظیم <small>علیه السلام</small>	۴۶۱
پیوست بیست: نامه آیت‌الله یزدی از نجف به شیخ فضل‌الله و حمایت از حرکت او.....	۴۷۴
پیوست بیست و یک: یکی از لواح بستنشینان در حضرت عبدالعظیم <small>علیه السلام</small>	۴۷۸
پیوست بیست و دو: یکی دیگر از لواح بستنشینان در حضرت عبدالعظیم <small>علیه السلام</small>	۴۸۹
پیوست بیست و سه: رساله حرمت مشروطه.....	۴۹۷
پیوست بیست و چهار: پاسخ به نامه علمای نجف از سوی آیت‌الله آخوند رستم‌آبادی.....	۵۱۹
پیوست بیست و پنج: نامه حاجی میرزا ابوتراب به صاحب عروة.....	۵۳۱
پیوست بیست و شش: شرح حال آیات و حجج اسلام مؤثر در این دوره مشروطیت.....	۵۴۳
آیت‌الله ملا محمد کاظم آخوند خراسانی	۵۴۳
آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی	۵۴۶
آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی (طباطبائی).....	۵۴۸
آیت‌الله حاج میرزا حسین خلیلی (تهرانی).....	۵۵۰
آیت‌الله حاجی میرزا ابوتراب شهیدی قزوینی	۵۵۲
حاج ملا محمد خمامی	۵۵۵
حاج آقا علی اکبر بروجردی.....	۵۵۶
میرزا علی ثقة‌الاسلام	۵۵۷
حاج میرزا حسن مجتهد تبریزی	۵۶۰
آخوند حاج ملا محمدعلی مجتهد رستم‌آبادی.....	۵۶۲
نمایه موضوعی	۵۶۵

پیشگفتار

قانون اساسی در هر نظامی، جهتگیریهای اصلی آن نظام را در موضوعات مختلف و در عرصه‌های داخلی و خارجی مشخص و معین می‌نماید. قانون اساسی درواقع تجلی جهانی‌بینی، آرمانها و گرایشهای یک ملت در مسیر حرکت خود به سوی اهداف است. بهمین جهت است که همواره از یک سو بیشترین تلاش و دقّت از سوی دلسوزان و آگاهان برای تدوین هرچه صحیح‌تر و اصولی‌تر قانون اساسی به عمل می‌آید و از سوی دیگر بیشترین چالش و تحرك از سوی منحرفان ییگانه از آرمانهای ملت در جهت مخدوش کردن و گنجاندن مواد نامتناسب با خواست و حرکت عمومی در قانون اساسی صورت می‌گیرد.

در انقلاب اسلامی ایران، از نزدیک شاهد چنین تحركاتی بودیم. تمامی گروهها، سازمانها و جمیعت‌های ضد اسلامی و سکولار و ملی‌گرا در صدد بودند تا با نفوذ در مجلس تدوین قانون اساسی و کشاندن بحث‌ها به بسیاری‌گامی و دادن رنگ و بوی لیبرالی به قانون اساسی، راه را برای هر نوع اقدام آتی خود فراهم نمایند. خواست ۹۸/۲ در صدی مردم را به گونه‌ای تغییر داده و مانع حرکت آینده این نظام براساس احکام شریعت اسلام گردند.

رهبری بیدار و قاطع امام خمینی به پشتوانه حمایت بی‌دریغ مردمی، مانع این توطئه عظیم شد و قانون اساسی تا حدود زیادی از اعتقادات و باورهای اصیل اسلامی ریشه گرفت. اگرچه در برخی موارد از جمله در اصل «ولایت فقیه» به شهادت امام خمینی،

اختیارات ولی فقیه فراتر از آن چیزی است که در قانون اساسی آمده است و به تعبیر معظم‌له، اعضاء مجلس خبرگان از خوف مخالفت برخی روش‌فکران، در این اصل کوتاه آمده‌اند، اما شاکله و بنای این قانون، مستحکم و براساس مکتب انسان‌ساز اسلام، نهاده شده است.

از آنجاکه مهمترین واقعه در این دوره از مشروطه (۲۶ مرداد ۱۲۸۵ - ۲ تیر ۱۲۸۷) که به مشروطه اول معروف است، تدوین قانون اساسی و متّم آن می‌باشد، ما تلاش کرده‌ایم تا سیر شکل‌گیری مباحث قانون اساسی و تدوین آن را با توجه به نحوه تشکیل مجلس و انتخاب نمایندگان با ارزیابی مورخین از این حادثه مهم، مطرح نماییم تا روشن شود که فضای این دوره از مشروطه، چگونه بوده و قانون اساسی در چه محمول و محفلی پرداخته و تدوین شده است.

در مشروطه، چالشها و تحرّکات در تدوین قانون اساسی بسیار سخت‌تر و نفس‌گیر‌تر بود. چراکه از یک سو یگانگان بویژه روس و مخصوصاً انگلستان در ایران نفوذ بسیار داشتند، هم در دربار و هم در میان قشر منورالفکر کشور، و از دیگر سو انجمنهای مخفی و آشکار به سردمداری منورالفکران مرعوبِ غرب، سالها تلاش کرده بودند تا تفکر غرب‌گرایانه خود را در ارکان کشور بویژه وزارت امور خارجه و دستگاههای فرهنگی و آموزشی نفوذ داده و در پشتِ پرده تصمیم‌گیریها حضور داشته باشند. اما از این سوی، مردم، چندان بیدار و آزموده در بحرانها و تنشها نشده و بصیرت لازم را برای تشخیص غبارآلودگیهای فتنه‌گران نداشتند. و در همین سو، روحانیت که تنها مرجع و ملجمت بوده و از نفوذ لازم در میان توده‌های مردم برخوردار بود، بواسطه فتنه‌گریهای منورالفکران و شیوه‌سازی خواسته‌های خود با اسلام و آرمانهای اسلامی، دچار آسیب جدی و دوگانگی شده بودند و از یک مرکزیت واحد در مقابل حوادث و رخدادها، چنانچه در تحریم تباکو مشاهده شد، برخوردار نبودند.

با تشکیل مجلس شورای ملی (۲۷ مرداد ۱۲۸۵ شمسی)، اوّلین تنشها در جامعه ظاهر شد. براساس آئین‌نامه انتخابات، وکلا بصورت صنفى انتخاب شدند و بیشترین بهره را

در جریان انتخابات، انجمنهای سری و آشکار بدست آوردن و چهره‌های وابسته به جریان غربگرا بیشترین کرسیها را از آن خود ساختند. مجلس با شتاب آلودگی بسیار و زیر فشار روشنفکران تشکیل شد تا قبل از مرگِ مظفرالدین شاه، اساس مشروطیت شکل داده شود. این شتاب آلودگی، مجلس را بسیار ناتوان و فاقد وجاهت ساخته بود. به اعتراف مورخان آن دوره، نمایندگان از جهات مختلف دارای ضعفهای چشمگیر بودند و به همین جهت به شدت تحت تأثیر انجمنهای و حرکات آنان در بیرون مجلس قرار داشتند. چنین مجلسی هم از خواست مردم و باورهای عمیق دینی آنان فاصله داشت و هم شجاعت لازم برای برخورد با اعمال نفوذها را نداشت.

مخبرالسلطنه می‌نویسد: «اسکال بزرگ شناختن وکلا بود. معنی مشروطه را صد نو دانستند. بحرهای رنگین خصوصاً قدری با حرارت توجهی بود، اکثر صلاح شخصی را بر صلاح مملکت ترجیح می‌دادند... تجربه معلوم کرد آن که بیشتر علیه دولت در نطق‌ها حرارت به خرج می‌دهد شبها درباریان را ملاقات کرده است یا ظل‌السلطان را، هریک به دول اجنبي بیشتر حمله می‌آورد سرپرده سفارتی هستند.^۱

احتشام‌السلطنه دومین رئیس مجلس، عقیده داشت که:

«مجلس هم مرکب از جماعتی مردمان مختلف‌الشكل، مختلف‌العقیده با تعدادی از علماء و جماعتی از اصناف بی‌خبر از همه چیز و همه جا و جمعی فحاش و معرض تشکیل یافته بود. در آن میان عده خیلی قلیل مردمانی بودند که بالنسبه اطلاعات مختصر و سطحی داشتند و خود را به شکل مردم فرنگ و بلکه مستفرنگ درآورده بودند. چند نفر از کهنه دزدهای سابق که در تمام عمر امورات خود و پدرانشان را از دزدی و رشوه‌خواری می‌گذرانند و شهرت خوبی نداشتند یعنی مستوفی زاده‌ها... داخل در صف وکلا شده... از روی شهرت پرستی با نطقهای تند و به اصطلاح آتشین با همه چیز ضدیت می‌کردند، تند می‌رفند و می‌تاختند. انجمنهای هم که دیگر اختیاری برای کسی

۱۲ / در مشروطه چه گذشت؟

باقی نگذاشته بودند. تقی‌زاده سرسته وکلای تندر و آذربایجان بود که بی‌اندازه شهرت پرست بود.^۱

سه زعیم روحانی مشروطه یعنی آیات بهبهانی، نوری و طباطبایی در بیرون مجلس بودند و حسب شناخت خود از جریانات و مباحث مطرح شده در مجلس، اعلام نظر و دحالت می‌نمودند. حوزه نجف نیز براساس اطلاعات واصله و ارتباطات با سه زعیم و سایر روحانیون تصمیم می‌گرفتند.

همچنان که در تشکیل مجلس شورای ملی، منورالفکران به حمایت محافل ماسونی و مخفی، شتاب‌زده عمل کردند، در تدوین قانون اساسی و ارائه آن به مجلس و مباحث آن نیز این شتاب‌زدگی باشد^۲ت بیشتری اعمال شد. شتاب‌زدگی در صورت ظاهر به خاطر رساندن آن به توشیح مظفرالدین شاه بود ولی درواقع هدف اصلی تدوین آن مطابق خواست و تفکر جناح روشنگر نهضت بود. مبنای پیش‌نویس قانون اساسی، قوانین کشورهای اروپایی بویژه بلژیک بود و افرادی که مسئولیت تدوین آن را به عهده داشتند گروهی منورالفکر و فراماسون بودند که میانه خوبی با باورهای دینی مردم و روی خوش با روحانیت و حضور آنان در اداره جامعه نداشتند. طبع چنین قانونی مغایرت‌های اساسی با حرکت عدالتخواهانه مردم داشت که روحانیت پیشرو آن بود.

مخبرالسلطنه اعتراف می‌کند:

«قوانين اساسی فرانسه یا بلژیک راما هم خوانده بودیم. مملکتی که تازه پا به سازمانی غیر آشنا می‌گذارد باید آهسته پیش برود. متأسفانه به حکم عادت سیاسی، قانون اساسی بلژیک را مصدر قرا داده‌اند که براساس فرانسه بود. مردم فرانسه آتشی مزاج همان قانون کنسیتوان را هم مجری نکردند. کتوانسیون سوابق را از ریشه برآورده اویاش غلبه کردند و خرابیها بار آوردند و ما همان رشته را دنبال کردیم ...»

با تمام دقّت نظر آیات ثلاثه و توصیه‌های آنان، قانون اساسی بسیار عجولانه تنظیم و

۱- خاطرات احتشام‌السلطنه، ص ۵۹۴

۲- خاطرات و خطرات، ص ۱۴۵

طی یک پروسه حساب شده در تاریخ ۸ دی ۱۲۸۵ شمسی به امضاء مظفرالدین شاه و محمدعلی میرزای ولیعهد رسید. اما بلاfacسله کاستی‌ها، تناقض‌ها و مغایرتهای این قانون آشکار گشت و مجلس مجبور شد تا گروه دیگری را که همچنان به وجه غالب از منورالفکران غرب‌زده بودند، مأمور بازنویسی و اصلاح قانون اساسی کند.

«اسناد به دست آمده نشان می‌دهد که ترجمه قوانین کشورهای مشروطه به نام «قانون اساسی ایران» حرکت حساب شده‌ای بود تا بدین وسیله مشروطیت تثیت و پارلمان قانونگذاری ایران جای اجرای احکام شریعت، مقنن مقررات جدید سیاست مشروطه گری باشد و این خواست و هدف مشروطه خواهان غربگرا بود. با آغاز اختلاف نظرها، برخورد این طبقه و روحاویون شروع شد که درواقع امتداد کشمکش این دو عنصر بود از نخستین مرحله حرکت مشروطه خواهی، و پس از این نیز استمرار یافت». ۱

این بار، جناح روحانیت نهضت و بیشتر از همه، شیخ فضل الله نوری همت‌گماشتند تا مغایرتهای قانون اساسی با شرع مقدس اسلام را برطرف ساخته و آن را صد درصد اسلامی سازد. بحث‌های زیادی انجام شد. حوزه نجف نیز در این بحث‌ها وارد شد. اما همچنان جناح منورالفکر نهضت به پشتیبانی اقدامات، تهدیدها و ترورهای اعضاء انجمنهای مخفی، به اصلاحات مطابق با شرع تن نمی‌داد. شیخ فضل الله نوری با توجه به این تحرّکات به شدت مشکوک و وابسته به سیاستهای بیگانه، ماده واحد ناظرت علماء طراز اول بر مصوبات مجلس و عدم مغایرت این مصوبات با شرع مقدس، را ارائه کرد. عناصر روشنفکر نهضت این بار نیز با حمایت محافل مخفی و آشکار فراماسونی، تعجیل و شتاب‌زدگی را در دستور کار قرار داد و با تحریک مردم بویژه در تبریز توسط انجمن ملّی آذربایجان، شیخ فضل الله و هیئت تطبیق قانون اساسی با احکام شرع را تحت فشار قرار دادند تا از تغییر قانون اساسی جلوگیری کنند. فشارها چنان شدّت یافت که شیخ فضل الله مجبور شد به همراه جمیع از علماء و روحاویون و مردم به حرم حضرت

۱- شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، ص ۱۵۰.

عبدالعظيم حسنی علیه السلام رفته و در آنجا متحصّن شوند. شیخ فضل الله معتقد بود: «مشروطه‌ای که در فرنگستان ساری و جاری است با مشخصات خاصی که دارد شایسته اجرا در ایران نیست. ایرانیان باید مشروطه‌ای منطبق بر سنن ملی و مذهبی خود برقرار کنند. خداگواه است کسی ضدیت با عدل ندارد و چه شده است کسی که اول مقدم در این امور بوده است، اقدام بر ضدیت یا تخریب این اساس مقدس معلم را قصد کند که نه عقلاً و نه شرعاً جایز بلکه حرام است؛ مقصود، تطبیق این مجلس است با قانون محمدی علیه السلام ... ای مسلمان! کدام عالم است که می‌گوید مجلسی که تخفیف ظلم نماید و اجراء احکام کند، بد است و نباید باشد؟ تمام کلمات راجع است به چند نفر لامذهب بی‌دین آزادی طلب که احکام شریعت قیدی است برای آنها، می‌خواهند نگذارند که رسماً این مجلس مقید شود به احکام اسلام و اجراء آن، هر روزی به بهانه‌ای القاء شباهات می‌نمایند...».^۱

اگرچه این تحصّن و حمایت جدی آیات عظام نجف، سبب شد تا مجلس شورای ملی تن به ماده واحدۀ شیخ فضل الله بدهد و با تغییراتی چند این ماده را تصویب نماید، اما منورالفکران توانستند با فضاسازیهای دروغین و فتنه‌انگیزی، مشروعه طلبان را همدست مخالفان مشروطه و مستبدین معرفی کنند و زمینه را برای اقدامات خشونت‌بار علیه آنان آماده سازند. این ماده هم هیچ‌گاه بطور جدی اجرا نشد و در دوره‌های زیادی از مجلس تعطیل شد.

حقاً مباحث مربوط به این دوره از نهضت حول محور مهم و تعیین‌کننده قانون اساسی، یکی از شاخص‌های مهم تمايز جریانات حاضر در مشروطیت است و بطور کامل نیات و اهداف هر جریان را روشن می‌نماید. اگرچه مورخان این دوره که خود عضو فراماسونها و انجمن‌ها و جناح روشنگری بودند، تلاش کردند تا همچنان صبغه ضد دینی مشروطه خواهان و مجلس مشروطه را پنهان کنند و اعتقاد آنان به جدایی دین

۱- رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... شیخ نوری، ترکمان، ج ۱، ص ۳۴۱.

از سیاست را پوشانند، لیکن اقدامات آنان بویژه در دوره برقراری مجدد مشروطه و فتح تهران کاملاً تفکر و جهتگیری آنان را بر ملا ساخته است. اسناد منتشر شده از این مباحث و اقدامات محافل وابسته روشنفکری، قضاوت درباره ماهیت غیر دینی و سکولار این جمیعت را آسانتر و قطعی تر ساخته است.

در این دوره از تاریخ مشروطیت، انجمنهای سری، در کنار ادame تبلیغات شبناههای مطبوعاتی و استفاده از منابر و تجمعات؛ رویکرد تهدید، ارعاب و ترور را نیز در برنامه خود وارد ساختند. استعفای رئیسی مجلس در پی تهدید انجمن‌ها، ترور اتابک، تهدید مکرر و هجوم به منزل شیخ فضل الله نوری، تهدید سید عبدالله بهبهانی برای موافقت و همراهی با موادی از قانون اساسی، سازماندهی نیروی شبه نظامی مسلح در کنار نیروهای رسمی کشور، تهدید برخی از نمایندگان برای پرهیز از مخالفت، از جمله نشانه‌ها و اقدامات این رویکرد جدید انجمنهای است.

مخبرالسلطنه می‌نویسد:

«افراد و انجمن‌ها می‌خواهند بصورتی هرچه مهیب‌تر جلوه کنند. در انتشارات ژلاتینی غالب تهدید به طپانچه می‌شد... یکصد و سی انجمن در شهر (تهران) دایر است غالب مخرب مجلس و وابسته به مراکز مختلف، روزنامجات با غراض گوناگون آبرو برای کسی باقی نگذارند. اگر احیاناً حقیقتی یا دردی را موضوع مقاله قرار می‌دادند لهجه زشت و ظهور دمهای خروس، اصل منظور را ازین می‌برد، معلوم نبود از زبان کی سخن می‌گویند... نویسندهای مغرض که هر کدام سر به جائی سپرده‌اند آنچه نباید نوشته نوشتنند، غافل که از کاستن قوت اجرا، آشوب و فساد قوت می‌گیرد و شاید همین منظور است.^۱

از دیگر رویکردهای مهم این دوره، هنک حرمت مقدسات اسلام در برخی مطبوعات منتشره از سوی جناح منورالفکر مشروطیت است. این تهمتها و هنک‌ها، که

نشانه مهمی بود از ماهیت این جریانات، متأسفانه از سوی برخی علماء، در عین تقبیح، جدّی تلقی نشد و برخورد شایسته و صریح انجام نگرفت. همچنان فضای خوشبینی، مانع مرزبندی دقیق و روش آنان با عوامل این حرمت‌شکنی‌ها بود.

شیخ فضل الله نوری در مجاجّه‌ها و گفتگوهای خود با دو زعیم دیگر مشروطه و نیز در لوایح منتشره، به این حرمت‌شکنی‌ها اشاره کرده و به افسای ماهیت این افراد می‌پرداخت. ماهیت اصلی این افراد را یکی طبیعی مسلک‌ها یعنی منورالفکران مادّی‌گرا و سکولار و دیگری منحرفین از دیانت اسلام یعنی بابی‌ها و بهایی‌ها، معرفی می‌نمود که اسناد منتشر شده در سالهای بعد، درستی این تشخیص را بخوبی نشان داد. شیخ فضل الله نوری و همراهان او، در لوایح خود، علّت مخالفت با مشروطه‌خواهان تندرو و هتاک را تبیین کردند. آنان جهتگیریهای منورالفکران و انجمن‌ها را در جهت مخالف با مصالح ملّت و ضدّیت با اسلام و احکام شرع دیدند و یکی از نشانه‌های بارز این تشخیص را مباحث مربوط به قانون اساسی و نیز تهمت‌ها و جسارت‌های مطبوعات و شبنامه‌های این گروه معرفی کردند. شیخ فضل الله در راستای افشاگریهای خود، تعدادی از نمایندگان مجلس را فاقد صلاحیت و شایستگی فکری و سیاسی برای تصدّی نمایندگی مردم و تصویب قانون می‌دانست و شرط اصلاح مجلس را خروج اینان عنوان می‌نمود.

منورالفکران که تاب و تحمل روشنگریهای شیخ و یارانش را نداشتند به جنگ نرم و شایعه‌پردازی و تهمت روی آوردن و علاوه بر آن به جعل اسناد از سوی آیات عظام نحف برای ترور شخصیت شیخ دست زدند تا با ایجاد تفرقه بین علماء، مردم را دسته دسته و بلا تکلیف و سرگردان سازند و در آشفتگی فکری جامعه و غبارآلودگی ذهنی مردم، اهداف خود را محقق سازند.

حجم تبلیغات منفی و هتاکی و شایعه‌سازی در این دوره به شدت افزایش یافته است. آمار نشریات این دوره، افزایش غیرقابل مقایسه‌ای را با دوره قبل (یعنی مبارزات تحقیق اصل مشروطیت) نشان می‌دهد. آمار تشکیل و اعلام موجودیت انجمنهای کوچک و بزرگ هم قابل مقایسه با دوره پیش از این دوره نیست و همه این تلاشها، نشان می‌دهد که

جناح منورالفکری با حمایت عوامل انگلیس از جمله سر اردشیر ریپورتر، با تمام قوا در صحنه حاضر شده است تا ماهیت نظام جدیدالتأسیس را به سود خود سامان دهد.

کشاندن جامعه به سوی خشونت که از طرف انجمنها، به عنوان یک تاکتیک طراحی شده بود، به شخص شاه نیز توسعه پیدا کرد. شاه که بارها با سوگند پشت قرآن، با دادن نامه و تأکید بر وفاداری به مشروطه، در دیدار با نمایندگان و مجلس شورای ملی، تلاش می‌کرد تا بلکه میانه خود را با آزادیخواهان بهبود بخشد، به شدت از سوی برخی مطبوعات وابسته به منورالفکران، تحریک می‌شد. به او تهمت زنازادگی زدند، کاریکاتورهای موهن از او چاپ کردند و آخرالامر اقدام به ترور او نمودند که موفق نشدند. عامل‌آ به سوی یک درگیری نظامی با شاه پیش می‌رفتند تا آنچه در عرصه نرم بدست آورده بودند - مجلس و قانون اساسی - با سقوط محمدعلی شاه و کشاندن رژیم قاجار به اضمحلال و آوردن یک دیکتاتوری قلدرما آبانه و معتقد به غربگرایی، استحکام بخشنده و بطور کامل روحانیت و احکام شرع را با قوه قهریه از جامعه منزوی سازند. و همین طور هم شد. محمدعلی شاه غافل و سرمست از قدرت و بازیخورده توسط عوامل روس - که در توافق پنهان با انگلیس این نقشه را طراحی کرده بودند - دست به بمباران مجلس و دستگیری منورالفکران و آزادیخواهان زد و یک دوره جدید از دیکتاتوری را که خواست انگلیس و در حکم اضمحلال قاجار بود، شروع کرد و عاقب هم به دریوزگی سفارت روس رفت و مجبور به ترک ایران شد. صدور حکم تحریم مشروطیت از سوی شیخ فضل الله نوری، بمبی بود که در زیر پوسته منورالفکران وابسته و فراماسونر منفجر شد و تمامی چهره، هویت و ماهیت آنان را بر ملا ساخت.

شیخ فضل الله بواسطه پای فشاری بر اصلاح قانون اساسی و ارائه اصل نظارت مجتهدان بر مصوبات مجلس، سخت تحت فشار آزادیخواهان قرار گرفت. هتك حرمت او با فحاشی و تهمت‌ها در روزنامه‌ها شدت یافت، تهدید او و هجوم به منزلش به اوج خود رسید. پنجشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۵ ق. انجمنهای سری مردم را تحریک کرده و پس از اجتماع روز جمعه ۹ جمادی الاولی جمعی را جهت قتل شیخ به منزل او

روانه کردن و اگر نبود جلوگیری سیدین، فاجعه بزرگی به بار می آمد. شیخ که مبارزه فکری را آغاز کرده بود، خود را در معرض حذف فیزیکی دید، او دانست که دیر یا زود این مدعیان آزادی و دموکراسی و قانون، مخالفتهای او را برخواهند تافت و به قتل او اقدام خواهند کرد. شیخ پس از اجتماع میدان توپخانه، چاره کار را در تحصّن در مدرسه مروی دید. با محاصره این مدرسه توسط سربازان دولتی و تشدید محاصره، از تحصّن خارج شده و پس از ضرب و شتم شدن، به منازل خود مراجعت کردند. عدم انجام تعهدات مجلس از سوی نمایندگان در تفاهمی که در ماجراهای تحصّن حضرت عبدالعظیم صورت گرفته بود و سمت و سوی این حوادث، شیخ را به صدور حکم حرمت شرعی مشروطه واداشت. او در اطلاعیه خود چنین گفته است:

«... منشأ این فتنه، فرق جدیده و طبیعی مشربها بودند که از همسایه‌ها اکتساب نمودند و به صورت بسیار خوشی اظهار داشتند که قهراً هرکس فریفته این عنوان و طالب این مقصد باشد به این که در طلب عدل برآمدند و کلمه طیه العدل را هرکس اضعاء نمود بی اختیار در تحصیل آن کوشید و به اندازه وسعت خود به بذل مال و جان خودداری نکرد. من جمله خود داعی هم اقدام در این امر نموده مساعدت نمودم... وقتی که شروع به اجراء این مقصد شد، دیدم دسته‌ای از مردم که همه وقت مایل به بعضی از انحرافات بودند وارد به کار شدند کم‌کم کلمات موهمه از ایشان شنیده حمل بر صحبت می‌شد.... تا رفته رفته بنای نظامنامه‌نویسی و قانون‌نویسی شد. گاهی با بعضی مذاکره می‌شد که این دستگاه چه معنی دارد. چنین می‌نمایند که جعل بدعتی و احداث ضلالتی می‌خواهند بکنند. اگر مطالب امور عرفیه است، این ترتیبات دینیه لازم نیست، و اگر مقصود امور شرعیه عامّه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت و ولایت در زمان غیبت امام زمان(عج) با فقهاء و مجتهدین است... تا آنکه قانون اساسی نوشته شد و خواهش تطبیق آن را با قواعد اسلامیه نمودند... وقتی را صرف این کار با جمعی از علماء کردم و به قدر می‌سور تطبیق به شرع یک درجه شد... لکن فرقه‌ای که زمام امور حل و عقد مطالب و قبض و بسط مهام کلیه به دست آنها بود، مساعدت نمی‌کردند، بلکه صریحاً و علنًا گفتند

که ممکن نیست مشروطه منطبق شود با قواعد الهیه و اسلامیه و با این تصمیمات و تطیقات دول خارجه ما را به عنوان مشروطه نخواهند شناخت. چون دیدم این طور است، به مساعدت جمعی ماده نظارت مجتهدین در هر عصر برای تمیز آرای هیأت مجتمعه اظهار شد، چون نتوانستند ظاهراً ردکنند قبول کردند محض تثبیت و اینکه رجوعی نشود و علی حده به طبع رسانده... چون این را دیدند و فهمیدند که با این ترتیب اگر بدون تغییر [ماده واحده] واقع شود بکلی از مقاصد فاسدۀ خود محروم‌اند کردند آنچه کردند و متعقب به واقعه زاویه مقدسه شد تا آن ورقه التزام به احکام اسلام و عدم تخطی از آن را دادند و داعی و علمای اعلام مراجعت کردیم. پس از بازگشت، قانون اساسی را بعد از تصحیح، تحریف و آن ماده نظارت را به اقواء جمعی تصرف نموده بروجھی که به کلی فایده مقصوده از آن را برداشت....

و قانون مشروطه با دین اسلام منافي است و ممکن نیست که مملکت اسلامی در تحت قانون مشروطگی بیاید مگر به رفع ید از اسلام. پس اگر کسی از مسلمین سعی در این باب نماید که ما مسلمانان مشروطه شویم، این سعی، اقدام در اضمحلال دین است و چنین آدمی مرتد است و احکام اربعه مرتد بر او جاری است؛ هر که باشد. هذا هو الفتوى و الرأى الذى لا اظن المخالف فيه و عليه حكمت و الزمت^۱

بحرانی که گریبان مشروطه خواهان غربی را گرفته بود، با این اطلاعیه و فتوای شیخ سخت تر شد و حتی بنیاد آنان را برانداخت و تشت رسوایی آنها را به صدا درآورد. اگرچه آنان با دادن اطلاعات غلط به آیات ثلاثة نجف و گرفتن حکم ضرورت موافقت و همراهی با مشروطیت و مجلس، توانستند بطور موقت از این بحران خلاص شوند، اما در ادامه با اعدام شیخ و ترور بهبهانی، تمامی قافیه را باختند و پشتیبانیهای آیات ثلاثة نجف و سایر علماء را به کل از دست دادند و ماهیت ضد دینی آنان بطور کامل برای مردم افشا شد. دیکتاتوری رضاخان، پایان فریب‌کاریها و دغلبازیهای منور الفکران و

۱- شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، صص ۳۰۵-۳۰۶. کامل این لایحه را در پیوست‌ها مطالعه نمایید.

روشن شدن دست پنهان انگلیس در بازیهای مشروطیت بود.

در هر حال، وضعیت تشکیل مجلس شورای ملی، نحوه انتخاب وکلا در این مجلس، مباحث مربوط به قانون اساسی و متمم آن، مواضع منورالفکران و شبکه‌های فراماسونری پنهان و آشکار، دخالت‌های انگلیس، وضعیت روزنامه‌ها، یک دوران پُر از عبرت و تلخکامی را در مسیر عدالتخواهی ملت و پاییندی آنان به باورها و آموزه‌ها و احکام اسلام را نشان می‌دهد که عبرت آموزی از آنها، می‌تواند شیرینیهای را برای ملت در تداوم راه انقلاب اسلامی داشته باشدند. این که حضرت امام خمینی ره بارها مسئولان و مردم را به توجه به قضایای مشروطه و عبرگیری از آن فرا می‌خوانند برای همین مسأله است. شناخت ترفندهای دشمنان در ایجاد اختلاف بویژه در بین علماء و روحانیون و دلسوز کرد مردم در پی این اختلافات، بسیار اهمیت دارد. ممکن است شیوه‌های دشمن و ابزارهای آن تغییر کند اما این نقشه، همیشه در صدر راهکارهای دشمن در تسلط بر کشور شیعه ایران بوده است.

حضرت امام خمینی با آن فرقان الهی و شناختی که در کوران حوادث ایران پیدا کرده بودند، حوادث مربوط به نوع نظام برآمده از انقلاب اسلامی، نوع مجلس تدوین قانون اساسی، وکلای ملت در چنین مجلسی و مباحث مربوط به قانون اساسی جمهوری اسلامی را بخوبی به سوی اهداف مردم در این خیش اسلامی، راهبری نمودند و اجازه ندادند منورالفکران غرب‌زده و سکولار، خلیلی و خدشهای در آن وارد کنند. اما تداوم این حرکت بویژه در ستیز با نظام سلطه جهانی و تعمیق باورهای دینی و سرعت در خدمت‌رسانی و شکوفایی علمی کشور نیاز به بیداری، وحدت و همبستگی بین مردم، بین مردم و مسئولان، بین روحانیون و از همه مهمتر تبعیت و پیروی از ولایت فقیه دارد. عبرتهای نهفته در قضایای مشروطیت هر عقل سليم و دل بیدار و آزاده‌ای را به چنین وحدت و تبعیتی فرامی‌خواند، و چنین باد تا ظهور حضرت حجت، ارواحنا له الفداء، ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت